

شیرینی مهمانی خدا را بچشیم- ۱۲

پناهیان: پیچیده بودن امر تزکیه انسان، عامل درک نشدن حکمت دستورات دینی است/نگاه

«عاشقانه» و «عارفانه» به زکات روزه

«تزکیه مفهومی عمیق تر از تربیت است و نیز یک نوع عملیات خاص تربیتی جهت دار است. «تربیت» ممکن است تنها به تنظیم رفتار انسان و تغییر برخی گرایش ها بینجامد، و به اصلاح بنیان ها کاری نداشته باشد. در حالی که «تزکیه» به ریشه ها می پردازد و زمینه های هرگونه خرابی را در روح انسان از بین می برد.»

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه داری» اثر حجت الاسلام پناهیان که انتشارات «بیان معنوی» چاپ هشتم آن را روانه بازار نشر کرده است، حاوی نکات و نگاهی نو و کاربردی برای بهره برداری بهتر از ماه مبارک رمضان است که با بیانی ساده و روان به رشته تحریر درآمده است. به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان با برگزیده ای از این کتاب به استقبال روزها و شب های قشنگ ماه مبارک رمضان می رویم. بخش دوازدهم از این گزیده ها را در ادامه می خوانید:

تزکیه، مفهومی عمیق تر از تربیت

یکی از تأثیرات رمضان، تزکیه روح انسان است؛ همچنان که روزه زکات جسم شمرده شده است. قبل از آنکه به نسبت بین رمضان و تزکیه پردازیم، خوب است ابتدا به معنای تزکیه نزدیک تر شویم. تزکیه به عنوان یک مفهوم قرآنی، هم یکی از غایات کمال و هم یکی از راه های سعادت انسان شمرده شده است. هم باید با تزکیه کردن به بارگاه خوب بودن راه یافت، و هم باید به مقام تزکیه شدگی که شامل تمام پاکی ها و پیراستگی هاست بار یافت.

تزکیه مفهومی عمیق تر از تربیت است و نیز یک نوع عملیات خاص تربیتی جهت دار است. «تربیت» ممکن است تنها به تنظیم رفتار انسان و تغییر برخی گرایش ها بینجامد، و به اصلاح بنیان ها کاری نداشته باشد. در حالی که «تزکیه» به ریشه ها می پردازد و زمینه های هرگونه خرابی را در روح انسان از بین می برد. در جمله قبل به کلمه «زمینه» بیشتر توجه کنید. اگر جایی زمینه های خرابی از بین برود، خلاصی از شر بدی ها و اخلاص در خوبی ها پدید خواهد آمد.

تزکیه، روشی تربیتی برای رسوب زدایی / تزکیه بیشتر پاک کردن است، تا پاک نگه داشتن

در عین حال، شاید بتوان تربیت را اعم از تزکیه دانست. و به تعبیری می توان گفت تزکیه یک روش تربیتی است، که طی آن، جان انسان از رسوبات زندگی دنیوی پاک می شود، و استعداد بد شدن را در روح انسان نابود می کند. تزکیه رسوباتی را از روح انسان می زداید که به طور طبیعی در جریان عادی زندگی، در قلب انسان ایجاد می شود، و کم کم رگ های حیات معنوی و معرفتی انسان را مسدود می نماید. منظور از رسوبات ایجاد شده در دل، همان علایقی است که انسان عادتاً به مرور زمان به دنیا و مافیها پیدا می کند و زمینه همه اشتباهات و انحرافات آدم را پدید می آورند.

می توان تزکیه را به زدودن علف های هرز از کشتزارهای حاصلخیز تشبیه کرد، برای اینکه زمینه حاصلخیزی بهتر زمین فراهم بشود، و یا به هرس کردن درختان از شاخ و برگ اضافی، برای آنکه بهتر بارور بشوند. شاید نتوان تزکیه را به زنگارزدایی از فلزات و رسوب زدایی از بستر آبراه ها تشبیه کرد، چون در این گونه پاک کردن ها رشد و نمو نیست.

حضرت علامه طباطبائی (رحمت‌الله‌علیه) در تفسیر المیزان می‌فرمایند: «کلمه تزکیه که مصدر «یُزَكِّیهِمْ» است، مصدر باب تفعیل است، و مصدر ثلاثی مجرد آن «زکات» است، که به معنای نموّ صالح است؛ نموّی که ملازم خیر و برکت باشد.» (۱) ولی همیشه کلمه «زکات» در جاهایی استفاده شده است که یک نوع کم کردن، مقدمه زیاد شدن و فزونی یافتن شده است. مانند زکات مال که موجب برکت در اموال می‌شود، یا زکات علم که همان نشر آن است و موجب افزایش آن می‌گردد. به این ترتیب گویا تزکیه بیشتر از اینکه «پاک نگاه داشتن» معنا بدهد، «پاک کردن» معنا می‌دهد.

روزه، زکات «بدن» و تزکیه‌کننده «روح» است

شاید به همین دلیل روزه را زکات بدن نامیده‌اند، که هم کم کردن در آن هست و هم سلامت جسم را به دنبال دارد. آن‌چنان‌که رسول خدا (ص) فرمودند: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ؛ هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن روزه است.» (۲) و نیز فرموده‌اند: «صُومُوا تَصِحُّوا؛ روزه بگیرید تا صحت یابید و سلامت بمانید.» (۳)

البته این حداقل بهره‌ر روزه است که زکات بدن محسوب می‌شود. روزه نه‌تنها در بدن، که در روح انسان هم تأثیر تزکیه‌ای دارد. گرچه این اثر عمیق‌تر، وابسته به شرایطی است که روزه‌دار خودش باید آن را ایجاد نماید. حداقل به دو علت، روزه از حدّ زکاتِ بدن فراتر رفته و به تزکیه روح نیز می‌انجامد.

عامل اول: ارادی بودن روزه

اول اینکه در روزه، گرسنگی کشیدن، به صورت ارادی و با نیت الهی انجام می‌گیرد. و این گرسنگی با آنچه که در اثر فقر یا قحطی پیش می‌آید متفاوت است. وقتی انسان به صورت خودآگاه و خودخواسته، به خواسته‌های قلبی خود «نه» بگوید و در برابر آن ایستادگی کند و یا برای برآوردن آن صبر نماید و با رضایت، تلخی ترک دل‌بخوایی‌ها را تحمل کند، به تزکیه روح خود پرداخته است و جان خود را جلا داده است.

بعضی‌ها آن‌چنان از صمیم دل روزه می‌گیرند که انگار با یک گرسنگی می‌خواهند نه‌تنها چربی‌های بدن خود را آب نمایند بلکه تمام بدی‌ها و رسوب‌های روحی خود را نیز از بین ببرند.

عامل دوّم: استمرار آداب روزه در صیام روح / شرط مؤثر بودن خودداری و ریاضت

دومین دلیل، بیشتر به رفتار روزه‌دار بستگی دارد. و آن اینکه علاوه بر صیام بدن، آداب صیام روح نیز رعایت شود. و هم‌چنان‌که در بحث آداب گفته شد، آنچه در ظاهر روزه دیده می‌شود، در باطن انسان هم ادامه پیدا کند. و این یعنی ادامه آداب روزه در صیام روح، مانند سکوت و ترک مجادله، و از همه مهم‌تر ترک معصیت. طبیعی است اگر روزه‌دار آداب روزه را رعایت نکند، و یا از صمیم دل نیت قربتاً الی الله نداشته باشد، اثر تزکیه‌ای روزه را دریافت نخواهد کرد. این قاعده در عموم ریاضت‌های تزکیه‌کننده روح انسان جاری است.

اساساً این خودداری‌ها باید بر مبنای برنامه‌ای حساب شده و حکیمانه باشند، و الا با ریاضت مرتاضان اشتباه گرفته خواهند شد، و ثمرات معنوی به‌جای نخواهند گذاشت. کما اینکه ما آدم‌ها در جریان زندگی، زجرها و خودداری‌های فراوانی را تحمل می‌کنیم، اما چون عموماً از شرایط لازم برای یک برنامه تزکیه‌ای صحیح برخوردار نیستند، مؤثر و نجات‌بخش قرار نمی‌گیرند. اینجاست که ضرورت احکام شرعی و اهمیت اوامر عبادی دین مشخص می‌گردد.

پیچیده بودن امر تزکیه انسان، عامل درک نشدن حکمت دستورات دینی

اینکه، یکی از کاربردهای مهم احکام دین تزکیه انسان است، به خاطر آن است که تزکیه انسان امر پیچیده‌ای است و انسان با آن همه لایه‌های تودرتو و پنهانی که دارد، به دشواری این امر بسیار افزوده است. سر اینکه حکمت و اسرار دستورات دینی به سهولت درک نمی‌شوند، به حدی که مورد اعتراض و اعراض بی‌خردان قرار می‌گیرد، این است که عهده‌دار امر تزکیه انسان می‌باشند و وظایف پیچیده‌ای در مسیر تزکیه به عهده گرفته‌اند. هرچند اگر این دستورات به‌خوبی اجرا شوند به سهولت منتج به نتیجه مطلوب در تحقق امر تزکیه خواهند شد. به همین دلیل گاهی اساتید بزرگ اخلاق و عرفان، در برابر پرسش «چه باید کرد؟»، که انتظار داریم از ایشان پاسخ‌های ویژه‌ای بشنویم، و راه‌های میان‌بر خاصی را در جواب ایشان پیدا کنیم، به‌سادگی جواب می‌دهند: «همان واجبات و محرّمات الهی را رعایت کنید، کفایت می‌کند.» البته این پاسخی است که تنها بر تجربه اهل معرفت تکیه ندارد، بلکه ابتداءً در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) هم به آن تصریح شده است.

مقام تزکیه در کلام خدا و رسول خدا

به این ترتیب تزکیه به پاک شدن روح و صفا پیدا کردن دل، منجر می‌شود. همان که رسول خدا (ص) فرمودند: «بِتَزْكِيَةِ النَّفْسِ يَحْصُلُ الصَّفَاءُ؛ با تزکیه نفس است که صفا (ی روح) حاصل می‌شود.» (۴) و در آیات قرآن هم، آنجا که سخن از هدف بعثت انبیاء است، تزکیه یکی از دو رکن رسالت پیامبران به‌شمار می‌آید: «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (۵)؛ (رسول خدا قلب و روح) آنان را پاک نموده و کتاب و حکمت بدیشان تعلیم می‌دهد.» و آنجا که سخن از سعادت انسان است، شرط رستگاری به حساب می‌آید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۶)؛ یقیناً رستگار شد، آن کس که تزکیه کرد.»

و در نهایت، آنجا که محل تعیین نحوه برخورد خداوند با بندگان است، وقتی قهر خدا جایگزین مهر او می‌شود، محرومیت از آن، به عنوان یکی از سخت‌ترین تنبیه‌های پروردگار بیان می‌شود:

«إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشدند، آنان را در جهان آخرت بهره‌ای نیست، و خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید، و به ایشان نمی‌نگرد، و پاکشان نمی‌گرداند، و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود.» (۷)

ویژگی برنامه‌های تزکیه‌ای دین: عمل ساده، آثار گران بها

اگرچه بحث و گفتگو درباره تزکیه به این زودی‌ها به پایان نمی‌رسد، ولی ذکر نکته مهمی در مورد یکی دیگر از ویژگی‌های آن، خالی از لطف نیست. و آن اینکه در روش تربیتی تزکیه، چیزی از انسان کنده می‌شود و یا انسان جدایی از چیزی را می‌پذیرد. اما در برنامه‌های تزکیه‌ای دین، ممکن است آن چیزی که انسان بناست از آن جدا بشود چندان هم مورد علاقه انسان نباشد. اما در عین حال آثار گران‌بهایی در وجود انسان باقی می‌گذارند. مانند روزه که طی آن دل‌کندن از برخی امور طبیعی مثل خوردن و آشامیدن، کار دشواری نیست، اما این همه آثار نورانی و صفادهنده را به‌دنبال دارد.

شما می‌بینید در جریان تزکیه نفس، در بستر طبیعی زندگی، انسان گاهی باید از تعلقات سنگینی چشم‌پوشی کند و این، کار تزکیه را بسیار دشوار می‌کند. اما اجرای برنامه‌هایی مانند روزه و حتی زکات در اغلب موارد کار ساده‌ای است و در عین حال به انسان برای دل‌کندن‌های سخت کمک می‌کند.

شاید این ماجرا شرح همان کلام خدا باشد که فرمود: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ کمک بگیرید از صبر و نماز» (۸) و مفسرین هم طبق روایات، اکثراً «صبر» را در این آیه به «روزه» تفسیر فرموده‌اند. (۹) یعنی صبر در روزه که کار دشواری نیست، پس، از این صبر کمک بگیرید برای صعوبت‌هایی که در زندگی با آن مواجهید و برای صعوبت‌هایی که در بندگی می‌خواهید پیدا کنید.

چرا عمل ساده روزه و نماز برای بعضی‌ها سخت است؟

واضح است که کمک گرفتن هم، معمولاً از یک امر سهل‌تر برای یک امر سخت‌تر است، اما در عین حال قرآن کریم می‌فرماید همین کار هم برای کسانی که خشوع ندارند، سخت است و نمی‌توانند به دو امر «نماز» و «روزه» مبادرت بورزند و یا از آنها کمک بگیرند. لابد دلیلش همان «دل ندادن» است و یا اهتمام نوزیدن، که باعث تزکیه و صفای باطن انسان می‌شود. مثلاً اگر کسی نماز را با تأخیر خواند و یا آن را سبک شمرد، طبیعی است که نمی‌تواند از چنین نمازی برای آسان کردن دیگر امور خود بهره بگیرد.

معلوم است که آثار نورانی تزکیه در هر برنامه‌ای، محدود به مواردی که متناسب با آن برنامه هستند، باقی نمی‌ماند. و وقتی طیّ اجرای یک برنامه، دل از برخی زوائد و اضافات پاک شد، هم قوّت روحی و توانمندی در مقابله با عموم بدی‌ها به دست می‌آید، و هم زمینه نموّ و رشد عموم فضائل و خوبی‌ها هموار می‌شود.

مثلاً اگر کسی زکات داد فقط دل‌بستگی‌های او به مادیات از بین نمی‌رود، بلکه تمام جان او صفا پیدا می‌کند. و اگر کسی روزه گرفت، تنها تمایلات او نسبت به محرّمات روزه کاهش نمی‌یابد، بلکه امید است که اساساً محبت او به دنیا کاهش پیدا کند و ردّائل از دل او زائل بشوند.

نگاه عاشقانه به زکات روزه

اگر بخواهیم خیلی عاشقانه به موضوع نگاه کنیم: هر عاشقی دوست دارد به معشوق خود برسد و او را در کنار خود بیابد و حتی از او اقبال و توجهی دریافت کند. در چنین وضعیتی اگر چیزی مانع وصال او بشود و یا مانع لیاقت او برای وصال باشد به شدت مورد تنفر او قرار می‌گیرد. و طبیعتاً هنگام ریشه‌کن کردن موانع، هنگامه‌ای از شادی و شفق در وجود او ایجاد می‌شود، و لبخند دوست‌داشتنی رضایت را می‌توان بر چهره عاشق بینوا که رنجور از فراق بود، دید.

و اگر کسی بخواهد این مانع وصال را برای عاشق درمانده رفع کند، به شدت مورد علاقه او قرار خواهد گرفت. شما می‌توانید این علاقه را تجربه کنید. بیایید برای عاشقی رفع مانع وصال کنید، و یا موجبات پایان یافتن فراق او را فراهم آورید، آن‌گاه خواهید دید او که به هیچ‌کس و هیچ‌چیز جز معشوق خود نمی‌اندیشد و اعتنا نمی‌کند، چگونه به یکباره به شما لبخند می‌زند و متشکرانه نگاه پرمحبت خودش را نثار چشمان گره‌گشای شما می‌نماید.

پس عاشقانه موضوع از این قرار است: روزه، به‌خاطر رفع موانع وصال، عامل لذتی عمیق و حلاوتی عاطفی در روزه‌دار عاشق می‌شود، که احساس نزدیک‌تر شدن به معشوق و بوی پیراهن یوسف را برایش به ارمغان می‌آورد. اگر کسی توانسته باشد به مقام عشق به ربّ ودود برسد، لابد چنین لحظات سرمست‌کننده‌ای را در رمضان به سهولت احساس می‌کند. و البته بقیه دوستان خدا هم تا حدودی می‌توانند بفهمند آنها چه عالم قشنگی دارند.

نگاه عارفانه به زکات روزه

و اگر بخواهیم خیلی عارفانه نگاه کنیم: هر عارفی، «سبک‌بال بودن» را دوست دارد، و وزن هر ذره خاشاکی را نه‌تنها در روح خود «احساس» می‌کند، بلکه نمی‌تواند لحظه‌ای آن را «تحمل» نماید. یک انسان عارف، لحظه سبک شدن روح خود را کاملاً احساس می‌کند و شیرینی آن را با تمام وجود می‌فهمد و به وجد می‌آید. چگونه از کنار تزکیه‌ای که رمضان به او می‌دهد راحت عبور کند؟

یک عارف همیشه به پرواز می‌اندیشد، برای او چیزی جز اوج گرفتن در آسمان لایتناهی، آرام‌بخش نیست. سنگینی برای او مانند مرگ است. و خستگی از بارکشیدن‌های بی‌حاصل و زمین‌گیرکننده، برایش بالاترین درد است. آسودگی از درد چه لذتی دارد؟ او از زکات صیام همان لذت را می‌برد. اوج گرفتن چه نشاط و هیجانی دارد؟ او از هر اقدامی که زکات او باشد و موجب تزکیهٔ جان او، همان احساس را پیدا خواهد کرد.

درک ضرورت تزکیه/لطافت روح انسان علت استعداد زیاد ما برای آلوده شده

به هر حال برای درک بهتر ضرورت تزکیه، خوب است این نکته را هم بدانیم که اگرچه ما آدم‌ها با نهادی پاک به دنیا می‌آییم، ولی به مرور بدی‌هایی در ما شکل می‌گیرد، که ناشی از برخی خصلت‌های دنیا و عموم بی‌دقتی‌های ماست. شاید علت استعداد زیاد ما آدم‌ها برای آلوده شدن این است که روح انسان آن‌قدر لطیف است و روند رشد و کمال آن‌قدر دقیق است که با کوچک‌ترین غفلت، غبار بدی روی زیبایی‌های دل انسان را می‌پوشاند، و حتی باید گفت: هرچه دقت کنی باز این اتفاق رخ خواهد داد.

به عبارتی بهتر باید گفت: هرچه دل را جلا بدهی جا دارد، و جلا دادن دل هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. جان انسان که در قرآن از آن به «نفس» تعبیر شده است، آن‌قدر نامحدود و تزکیه‌پذیر است که بزرگانی مانند اولیاء خدا که در اوج پاکی بوده‌اند هم، هیچ‌گاه در این مسیر متوقف نشده‌اند و از تزکیهٔ نفس باز نایستاده‌اند. و به همین دلیل همیشه به عملیات تزکیه نیاز است، تا با پاک کردن روح از زایدات که منشاء بدی‌ها هستند، جلوی ریشه دواندن آنها گرفته شود و زمینه برای کاشتن نهال خوبی‌ها در دل و آماده ساختن روح برای رویش فضائل فراهم گردد. هرچند تزکیه برای آدم‌های بد، که انبانه‌ای از رذائل در جان خود انباشته کرده‌اند، بسیار واجب‌تر و ضروری‌تر است.

(۱) ترجمهٔ تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۴۴۷، ذیل آیه دوم از سورهٔ جمعه.

(۲) الکافی، ج ۴، ص ۶۲، باب ما جاء فی فضل الصوم و الصائم، ج ۲.

(۳) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۸۷۴۴

(۴) مجموعهٔ ورام، ج ۲، ص ۱۱۹.

(۵) سوره جمعه، آیه ۲.

(۶) سوره اعلیٰ، آیه ۱۴.

(۷) سوره آل عمران، آیه ۷۷.

(۸) سوره بقره، آیه ۴۵.

(۹) تفسیر المیزان و تفسیر نمونه، ذیل همین آیه.

